



۲۰۱۳/۱۰/۳۱



ولی احمد نوری

بیهودگی دفاع حامیان جنایات ضد بشری احزاب خلق و پرچم

مقاله عالی، برجسته و منحصر به فرد جناب رحمت آریا که سندی است مهم و تأریخی و در نوع خود بی نظیر، خدمتی است سترگ که از طرف یک فرزند اصیل، وطنپرست و دانشمند کشور عرضه شده است. جا دارد از این همه زحمات شباروزی ایشان ممنون و سپاسگزار بوده و موفقیت های بیشتر شان در راه خدمت به افغانستان عزیز آرزو نمایم. این نوشته تحقیقی جناب رحمت آریا که تحت عنوان «پنج هزار شهید بی مزار و بی کفن» به تاریخ ۲۴ اکتوبر ۲۰۱۳ در پورتال معزز افغان جرمن آن لاین نشر شده در باره افشای اسناد جرایم ضد بشری حاکمیت حزب باصطلاح دیموکراتیک، اشارتی دارد در مورد اینکه چه کسانی خواهند بود تا از این کار نامه های جنایت کاران دفاع نمایند، آری هستند ذواتی که در برابر این اسناد مؤثق و غیر قابل انکار مقاومت می کنند و تا هنوز از خریطه ایدئولوژی خود بیرون نیامده اند و در صدد توجیه آن همه سیاه کاری ها می باشند، بدون هیچ گمانی این آقایان خود در دوسیه های مرتبط به جنایات ضد بشری حاکمیت ایشان محل و جایگاهی دارند، پس دفاع از سرمداران حزب باصطلاح دیموکراتیک به نحوی حمایت از منافع اینان نیز خواهد بود.

آقایان بصیر بهزاد و شاه محمود حصین در زمره آنانی اند که حتی بر صحیح بودن لیست ها شک کرده اند.

■ - آنچه مسلم است اینکه در واقعی بودن لیست ها هیچ تردیدی وجود ندارد، حتی همان هایی که به احتمال زیاد در این قضایا به حیث فاعل اجرایی در گیر بوده اند، مصدق واقعی بودن آن اند، مگر آن را دارای نواقص ونا تکمیل می دانند، مانند آقای حصین که تعدادی را زندگان شامل لیست مردگان نامیده و عده ای به صفت یک گروپ و عده ای را هم به حیث جواسیس پاکستان و ایران قابل سر بریدن دانسته است، آقای حصین باید بداند که برای تأمین عدالت تنها مظنونیت یک شخص کافی نیست، باید مجرمیت او بر اساس قوانین معیاری حقوق بشری و در جریان یک محاکمه منصفانه با داشتن حق کامل دفاع و حق استیناف خواهی چند مرحله یی و سایر لازمه های عدالت به اثبات برسد، ولو شخص مظنون جاسوس باشد، این استنباط آقای حصین مؤید این واقعیت تلخ است که کشتار و سربریدن بدون محاکمه و اثبات جرم، در آن رژیم یک اصل و ضابطه معمول بوده است، یعنی قتل و کشتارهای دسته جمعی بدون هرگونه پرسان و جویان توسط همان ارگان های که دقیقاً باید محافظت جان و سلامت مردم باشد، ارتکاب یافته است. اما آقای حصین تا هنوز از دیدار کشمیر پائین نیامده است، تا واقعیت را ببیند، که دگر در برابر خارنوالی هالند در موقفی قرار ندارد که از آنان بخواهد تا لیست ها را تصحیح کرده و اعتبار حقوقی ببخشد، مگر آقای حصین به حیث چه کسی چنین تقاضایی را از خارنوالی هالند به عمل می آورد، حصین باید حالی شود که آن ارگان قطعاً یک دفتر پولیسی حاکمیت خلقی و پرچمی نیست که دستور آقای حصین و سرمداران پرچم را عمل کند، چنین تقاضایی را فقط امر مافوق و یا قاضی به عمل آورده می تواند، البته بعضی اشخاص دیگر هم حق چنین تقاضایی را دارند، این اشخاص متهم و وکیل او هستند و شما آقای حصین نه امر مافوق آنجا هستید و نه قاضی، پس باید حتماً یا متهم باشید و یا وکیل متهم، و برای وکالت هم تخصص و جواز لازم است که شما ندارید، پس برای جناب شما همان جایگاه متهم باقی می ماند.

■ عجب است صدای منطق شما محتملاً از جایگاه اصلی شما به گوش می رسد. اما فراموش کردید که تصحیح آن لیست ها از وظیفه خارنوال هم نیست آن لیست ها یا توسط ترتیب کنندگان اصلی آن و یا توسط اهل خبره ذیربط مورد تأیید و تصحیح قرار گرفته می تواند و بس. در اینجا باز هم یک پرسش باقی می ماند که شما با این لیست ها آشنایی زیادی را در ذهن خواننده نوشته تان القاء می کنید.... شما لیست را شاید قبلاً دیده باشید....

مگر آقای حصین! شما در مباحثات علمی ای که در پورتال افغان جرمن آنلاین صورت می گیرد و از نظر شما « بازار جنگ و جدل های بیهوده و تباه کن لفظی بخصوص که در پورتال افغان جرمن آنلاین گرم است»، می باشد.

مگر شما آقای حصین! آیا اصطلاح « گستاخی » را در آن «جدل های بیهوده!!» دیده اید؟؟ آری شما حق دارید از این مباحثات نفرت داشته باشید زیرا که در نظام های دیکتاتوری خلقی شما و پرچمی ها مباحثات آزاد علمی جرم بوده است و چه بسا که تعدادی از شاملین آن لیست به سبب استفاده از این حق سر های خود را از دست داده باشند.

شما که به خود اجازه استعمال این کلمه « گستاخی » را داده اید، محصول نظام ایدئولوژی حزبی شماست. آقا! از نگاه ما گستاخ یک دشنام است و شما این را از پورتال افغان جرمن بیاموزید.

■ اما آقای بصیر دهراد (که خود را حقوقدان و سردمدار «انجمن حقوقدانان افغان مقیم اروپا!؟» (**)) نیز معرفی می کند) چگونه خویش را لبریز از عواطف آدمی نشان داده و مدعی است که آن زن مظلوم به خاطر قبولی پناهندگی خود را کارمند خاد معرفی کرده بود.

آقای دهرادا! اگر شما حقوق دان هستید باید می دانستید که ثبت یک چنین اعترافی در محکمه یک جامعه حقوقمدار چه سند با اهمیتی محسوب می شود، و باز اگر شما حقوقدان هستید باید می دانستید و بدانید که استنباط شما از «شکنجه» کاملاً مغایر به تعریف شکنجه است که در ماده ۱ میثاق « شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی و موهن» دسامبر ۱۹۸۴ میلادی ملل متحد است، به گمانم در تهمت زدن به خود «به حیث حقوقدان» حتماً "شوخی" کرده اید...

■ دامنه ارتکاب جنایات علیه بشریت در کشور مصیبت زده ما چنان وسعت دارد که با مبادلات چنین نوشته جات وحشت زده و توأم با دست پاچگی قابل دفاع و ترمیم نخواهد بود، همانطوری که جناب غوربندی فرموده اند، یکی از مستی و وارخطایی فقهه می زند و دیگری با چهره کاملاً حق به جانب پا بر سر خون هزاران هموطن ما گذاشته و با خونسردی از آن چشم می پوشد.

آنچه که در پایان این نوشته می خواهم بیافزایم، این است که ما دگر در دورانی زندگی نمی کنیم که مجرمین از چنگ و تعقیب قانون فرار کرده بتوانند. مدافعین جنایت کاران هم باید منتظر مجازات خویش باشند، ولو هر ماسکی هم برچهره بزنند.

**

شنیده بودم که « انجمن حقوقدانان افغان مقیم اروپا!!» توسط چند تن پرچمی و خادبست اشغال شده و این انجمن را محل حمایت مجرمین ضد بشری قرار میدهند، حالا فرصت جدی پیش آمده است تا این به اصطلاح انجمن حقوقدانان از حقانیت خویش دفاع کرده و آن را با پیوستن به صفوف مظلومان به اثبات برساند و صریحاً جنایات جنگی و ضد بشری حزب دیموکراتیک را محکوم کرده و موقف بیطرفانه، انسانی و حقوقی خویش را به اثبات برساند و اگر نه این انجمن!! یک باند خود ساخته خادبست ها خواهد بود و نیز باید موقف گیری بصیر دهراد را در این قضایا محکوم کرده و وی را از این انجمن!! طرد و اخراج نمایند.

**

در تهیه این نوشته از نگاه مسائل حقوقی که رشته این حقیر نمی باشد، دوست حقوقدان و دانشمند جناب ف، هیرمند با من کمک شایانی نموده اند که از صمیم قلب از ایشان ممنون و سپاسگزارم. قلم شان را همیشه بران و درخشان می خواهم.

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ